

با انتصاب احمدی نژاد، آقای خامنه ای کشف حجاب کرد!

امیر سپهر

در آخرین نوشته خود گلایه آمیز نوشته بودم که نباید در بازیهایی درونی نظام وارد شد، پیش بینی هم کرده بودم که هاشمی رفسنجانی در انتخابات نمایشی پیروز خواهد شد، این اما اشتباه از آب در آمد. قصد توجیح ندارم، همین اندازه بنویسم که متولیان این حکومت منتسب به الله آنقدر در این سالها دروغ گفته و حقه بازی کرده اند که من یکی دیگر به هیچ کس و هیچ چیزشان باور ندارم، حتی به اختلافاتشان. باری، هاشمی در کم سهم بودن در تقلب شکست خورد نه در انتخابات. چرا که انتخابات این رژیم را باید "انتخابات قلبی، تقلبی به علاوه سه" نام نهاد. یعنی قلبی تقلبی تقلبی اندر تقلبی، چون شورای نگهبان در همان مرحله اول با حذف نامزدهای غیر وابسته به رژیم انتخابات را از بیخ قلبی می کند، در مرحله بعد با شناسنامه های تقلبی و رای ریزی سازماندهی شده است که تقلب صورت می گیرد، سپس در مرحله شمارش آرا و در نهایت در اعلام تعداد و نتایج آن.

اینهمه هم هیچ تازگی ندارد، همیشه همینطور بوده. در همان اولین دوره هم در حالیکه دریادار احمد مدنی برنده انتخابات بود، ابوالحسن بنی صدر را با یازده میلیون رای برنده اعلام کردند (سال گذشته وقتی خود دکتر مدنی این مطلب را به بنده گوشزد کرد که، اگر تقلب نشده بود و من رئیس جمهور شده بودم کار را همان اول فیصله می دادم، در جواب قسمت اول صحبت ایشان گفتم که بله تیمسار، این موضوع را همه ی ما شاهد بودیم که حق شما را به بنی صدر دادند). پس تقلب در انتخابات در جمهوری اسلامی یک اصل نهادینه شده است. اشتباه من در این بود که تصور می کردم این رای سازی و تقلب به نفع رفسنجانی خواهد بود نه احمدی نژاد، کسی که اصلاً تصور آن نیز نمی رفت. از اینکه پیش بینی ام بعکس از آب در آمده بسیار خرسندم. جدای از اینکه در مقاله ما قبل آخرین خود احمدی نژاد را برای یکسره شدن کار حکومت بهترین گزینه دانسته بودم و از این بابت خوشحالم، این تحول و چرخش آیت الله خامنه ای را هم نشانه یک گسست می دانم، علامتی روشن از وجود دشمنی در ارکان اصلی این نظام، امری که فروپاشی آن را سرعت خواهد بخشید.

گرچه آقای خامنه ای به هنگام صدور شادباش برای کارپرداز جدیدش دکتر احمدی نژاد از آقای رفسنجانی هم با عنوان یار دیرین خود یاد کرد، اما ظاهراً کار اختلاف این دو دستار بند حکومتی اینبار بسیار بالا گرفته، تا آنجا که سلطان جماران تمامی امکانات خود را بخدمت گرفت تا یار دیرین خود را گوشمالی دهد. این رخداد حکایت از این دارد که مقام ظل الهی آنچنان کینه ای از نردبام خود به دل گرفته که با دست یازیدن به هر تقلب و دوز و کلکی وی را در مقابل احمدی نژاد گمنام به شکستی فضاقتبار کشاند، در برابر فردی درجه سه که رفسنجانی پر افاده او را تا پیش از این حتی به درباری در خانه اش هم نمی گمارد.

بهر حال آنچه بنام انتخابات نهم در ایران انجام شد از بسیاری جهات در بلند مدت به نفع ملت ما خواهد بود. بزرگترین فایده این نمایش مهوع و پر دوز و کلک آن بود که رژیم را کاملاً شقه شقه کرد. با شناختی که از هاشمی رفسنجانی مکار و آب زیرکاه وجود دارد، او فردی نیست که به آسانی از سر گناه کسی بگذرد که وی را اینگونه سکه یک پول کرد، بویژه فردی که هاشمی خود وی را بر کشیده و به جانشینی آقای خمینی رسانده. وی در این بازی شکست خورد، اما از منظر ملی هاشمی را نباید در کل بازنده بحساب آورد، وی در این مدت بار دیگر شانس این را داشت که مزه شیرین با مردم بودن و تلخی انزوا و شکست در جبهه ضد مردمی را بچشد. نامبرده یکباره دیگر یک نیمچه فرصتی تاریخی یافته که کمی از کارهای ضد انسانی و ضد ملی خود را جبران کند. هاشمی بیگمان منفعَل نخواهد ماند. با شمی قوی که او دارد، سخت است که پذیرفت وی شخصی باشد که با عدم موقعیت شناسی این پا را مفت از دست دهد.

در کنار این چند پارچگی رژیم، باید عکس العمل خارجی را نیز از نظر دور نداشت. گمارده شدن یک فرد متهم به تروریسم (دراطیش و سویس) به ریاست قوه مجریه، که در اروپا پرونده اش مفتوح است، به معنای قطع امید اروپا و امریکا از رسیدن به هر گونه توافقی با رژیم یک دست تروریست پرور ایران است. در جبهه داخلی هم بر خلاف تصور بعضی که ظهور لباس شخصی ها در قوه مجریه را پایان کار روند دموکراسی در ایران تلقی می کنند، این اصلاح طلبان بی یال و کوپال بودند که با عقب نشینی در درون و وعده های غیر عملی در برون روند دموکراسی را کند کرده بودند. امکان دارد که لباس شخصی ها در ابتدا کمی تند روی کرده و گرد و خاک براه اندازند، اما آنها هرگز قادر نخواهند بود عقربه های زمان را به عقب بازگردانند. معادلات جهانی دیگر زیر و رو شده و وضعیت نوین منطقه و جهان به آنها چنین اجازه ای را نخواهند داد. گذشته از این مردم ما هم دیگر هیچ شباهتی به مردم ده - پانزده سال پیش ندارند. نهال دموکراسی با تغذیه از حمایت های جهانی، و تأثیری پذیری از رخداد های مثبت در دنیا بویژه منطقه پیرامونی آن اندازه رشد کرد که احمدی نژاد ها نتوانند آنرا برکنند.

وجود وی نه تنها تغییری منفی در اوضاع جامعه بوجود نخواهد آورد (آخر چیزی عوض نشده، رئیس جمهور اصلی کماکان همان آقای خامنه ای خواهد بود که قبلاً هم بود)، بلکه به اعتقاد صاحب این قلم به استحکام و حتی رشد این نهال کمک هم خواهد کرد. با شکست کامل اصلاح طلبی و کنار رفتن پرده ای فریبا بنام آقای خاتمی از رخسار رژیم، منبعد روز بروز زشتی و چرکین بودن آن بیشتر چشم جهانیان را آزار خواهد داد. به آقای خامنه باید دست مریزاد گفت که با نصب احمدی نژاد، نه تنها مناسب ترین کارپرداز را برای خود برگزید، بلکه چهره اصلی رژیمش را نیز بدان باز گردانید. حال دنیا می داند که رژیم ایران به هیچ وجه قابلیت و استعداد استحاله

ندارد! یا باید با این عجزه کریه المنظر و زشت کردار کنار آید، که امیدی بدان نیست، و یا اینکه برای همیشه از شرش راحت شود. منتظر باشیم که از این پس فشار خارجی بر رژیم ده برابر شود، بویژه در زمینه رعایت حقوق بشر. سر انجام اینکه یک چیز قطعی به نظر می رسد، اینکه تابستانی گرم و سوزان و پر ماجرا در انتظار رژیم ملا ها است. باید منتظر بود و دید. در این میان فرد کهنه کار و زخم خورده بنام هاشمی رفسنجانی را هم نباید از یاد برد، که از این آدم هر کاری بر می آید!

یکشنبه ۵ تیرماه ۱۳۸۴